

تجارب زیسته معلمان کلاس های چندپایه پیرامون استفاده بهینه زمان و مدیریت آن به عنوان مؤلفه مؤثر در برنامه درسی

حسین زارع خورمیزی^۱، زهره سعادت‌مند^۲ و نرگس کشتی آرای^۳

چکیده

هدف از انجام این پژوهش تجارب زیسته معلمان کلاس های چندپایه پیرامون استفاده بهینه زمان و مدیریت آن به عنوان مؤلفه مؤثر در برنامه درسی بود. این پژوهش یک مطالعه کیفی پدیدارشناسی است. شرکت کنندگان در این مطالعه ۸ معلم کلاس چندپایه از استان های یزد و کرمان بودند. داده ها با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته انفرادی با معلمان در محل کار آنها گردآوری شد. داده ها با روش هفت مرحله ای کلایزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از کدبندی مصاحبه ها، ۴۲۲ کد اولیه حاصل گردید که پس از طبقه بندی ۱۵ زیرطبقه، ۵ طبقه و سه مفهوم به دست آمد که با عناوین: ۱- تبیین و شناسایی مؤلفه های مؤثر در صرفه جویی وقت ۲- تبیین و شناسایی مؤلفه های مؤثر کمبود زمان ۳- تبیین و شناسایی مؤلفه های مؤثر در برنامه ریزی و مدیریت زمان نام گذاری گردیدند. نتایج این مطالعه نشان داد که معلمان کلاس های چندپایه برای جبران کمبود وقت می توانند از راهبردهای مختلفی با توجه به دانش آموز، تعداد آن ها، همچنین تعداد پایه ها، تاثیر پایه ها نسبت به هم، شیوه ها و مواد جهت صرفه جویی و مدیریت زمان استفاده نمایند. بکارگیری این راهبردها در سه زمینه یاد شده می تواند منجر به استفاده بهینه زمان و مدیریت آن در برنامه درسی کلاس های چندپایه و سبب تحقق اهداف برنامه درسی و تسهیل یادگیری دانش آموزان و تدریس معلم گردد.

کلیدواژه ها: تجارب زیسته، معلمان، کلاس های چند پایه، برنامه درسی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

^۲ دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

مقدمه

در آموزش و پرورش شرایط متنوعی در حوزه ی تعلیم و تربیت وجود دارد که متفاوت از یکدیگر است و برنامه ریزان، به ویژه معلمان، به مقتضای شرایط باید کار یاددهی - یادگیری را پیش ببرند. یکی از این شرایط ویژه، وجود مدارس کوچک یا کلاس های چند پایه است که یک معلم مجبور می شود چند پایه را به طور هم زمان و در یک کلاس تدریس کند. این موقعیت ها نسبتاً رایج هستند و معمولاً در مناطق روستایی و یا در مدارس عشایر و مدارس خاص روی می دهند (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). منظور از کلاس های چند پایه، کلاس هایی است که در تمام طول سال تحصیلی، دانش آموزانی که از نظر سن، توانایی، مهارت و هم چنین پایه ی تحصیلی متفاوت هستند، همه در یک اتاق و توسط یک معلم آموزش می بینند (مرتضوی زاده، ۱۳۹۰: ۱۴). نتایج کنفرانس جهانی «آموزش برای همه» در تایلند (۱۹۹۰) و سپس داکار (۲۰۰۰) که در نوع خود یک رویداد مهم تاریخی بود، یونیسف را بر آن داشت تا نگاه دقیق تری به آموزش و پرورش ابتدایی از طریق به کارگیری رویکرد های علمی و متنوع متمرکز کند. یکی از این راهبردها تشکیل کلاس های چند پایه است (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۱۳۶). از سال ۱۳۹۰ که سند تحول بنیادین نظام آموزشی در کشور ما تدوین شد، کلاس های چند پایه مورد عنایت جدی نظام آموزشی قرار گرفت، در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ از مجموع کلاس های تشکیلی در روستاها ۴۴ درصد به صورت چند پایه تشکیل و اداره می شود که این آمار بیانگر این است که کلاس های چند پایه به توجه بیش از پیش نیاز دارد (صمدیان، ۱۳۹۶). برنامه درسی ملی برای هر پایه تحصیلی، برنامه درسی ویژه ای را تهیه و تنظیم نموده است که ویژه کلاس های تک پایه است و با توجه به آن پایه محتوا، موضوعات، عناوین و سرفصل های خاص آن پایه، همچنین زمان مورد نیاز و دیگر عناصر برنامه درسی در نظر گرفته شده است که در خلال آن به اهداف آموزشی و تربیتی مورد نظر دست پیدا خواهد کرد.

آن چه زمان به آن اشاره دارد این است که محتوای انتخاب شده به همراه استفاده از شیوه ها و مواد در جهت دستیابی به اهداف برنامه در یک چارچوب زمانی ارائه می گردد. برنامه از لحاظ زمانی، بایستی به گونه ای ارائه گردد که بطور موثر شناخت و یادگیری مطلوب را در فراگیر ایجاد نماید؛ چرا که هر محتوایی را نمی توان در هر قالب زمانی آموزش داد. لذا ضروری است با توجه به نوع محتوا و اهدافی که از طریق محتوا برآورده می شود، زمان لازم برای فعالیت یادگیری لحاظ گردد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸). در نتیجه این معلمان هستند که با اجرا سر و کار دارند پس تجربیات زیسته آنها در طراحی برنامه درسی به ویژه توجه به عنصر زمان می تواند نقش مهمی را بویژه برای معلمان تازه کار که مسئولیت تدریس در چنین کلاس هایی را عهده دار هستند ایفا نماید.

تجارب زیسته معلمان کلاس های چندپایه پیرامون استفاده بهینه زمان و مدیریت آن به عنوان ... ۵۷ □

از نظر رونالد دال: برنامه درسی تمام تجربیاتی است که تحت راهنمایی مدرسه به دانش آموزان ارائه می شود (دال، ۱۹۶۴ به نقل از فتوحی و اجارگاه، ۱۳۸۸). در نتیجه اجرای ثمر بخش و عالی برنامه درسی مستلزم توجه همه جانبه عناصر برنامه درسی می باشد. عنصر زمان به عنوان مؤلفه های تاثیر گذار در فرایند یاددهی یادگیری نقش بسزایی را ایفا می کند. در کلاس های چند پایه ما شاهد حضور پایه های مختلف تحصیلی با ویژگی ها، سنین و جنسیت مختلط هستیم.

معلم کلاس چند پایه در یک جلسه، دو تا پنج پایه را آموزش می دهد و هم زمان به کارهای اداری، آموزشی و پرورشی آن ها رسیدگی می کند. یک کلاس تک پایه ۲۵ ساعت تدریس هفتگی دارد و یک کلاس چند پایه (متشکل از دو تا پنج یا شش پایه) نیز همین تعداد ساعت هفتگی را برای هر پایه دارد. تراکم دروس و پایه ها، موجب تنوع در نوع آموزش ها و نوع فعالیت های یاددهی - یادگیری می شود، زیرا سطح تنوع در کلاس های چند پایه به عنوان یک مشکل بزرگ در راه رسیدن به یادگیری دیده شده است (کیلیک، ۲۰۰۹، به نقل از مرتضوی زاده، ۱۳۹۴). در صورتی که حجم محتوای کتاب های چند پایه و تک پایه تفاوتی ندارند و هنگام تهیه ی برنامه های درسی دوره ابتدایی به معلم و کلاس های چند پایه توجه نشده است (کش، ۲۰۰۸، به نقل از مرتضوی زاده، ۱۳۹۴). تراکم تعداد دانش آموزان و پایه ها و همچنین حجم زیاد محتوای کتاب ها از مدت زمان تدریس و نظم و دقت کار تدریس و یادگیری کم می کند. این در حالی است که هارگریوز (۲۰۰۰، به نقل از مرتضوی زاده، ۱۳۹۴) معتقد است در نتیجه کمبود وقت، دانش آموزان در کلاس های چند پایه مسئولیت ارزیابی خودشان را بر عهده دارند که این امر فرصت هایی را برای ارتقا یادگیری و موفقیت در اختیار آن ها قرار می دهد. لذا اختصاص زمان برای هر پایه در طول فرایند یاد دهی یادگیری و چگونگی مدیریت آن در چنین کلاس هایی توسط معلم از اهمیت بسزائی برخوردار است. هدف از این پژوهش شناسایی و تبیین راهبردها و مؤلفه های مؤثر به منظور استفاده بهینه از زمان و مدیریت آن در کلاس های چند پایه می باشد.

روش

در این بخش به بررسی روش شناسی پژوهش پرداخته می شود. هدف از تعیین روش شناسی تدوین ساختار پژوهش و نحوه دستیابی به اهداف می باشد. روش شناسی پژوهش که روش مناسب هر پژوهش را بر اساس موضوع پژوهش و طرح آن انتخاب می کند از مهمترین بخش های فرایند پژوهش به حساب می آید. در انجام هر پژوهشی انتخاب روش تحقیق مناسب بسیار مهم می باشد چرا که با انتخاب روش نامناسب نتایج بدست آمده نیز صحیح نخواهد بود روش تحقیق در واقع ابزاری برای دستیابی به واقعیت به کار می رود (بورگ و گال ۱۳۹۲). در نتیجه در این قسمت روش

تحقیق، محیط پژوهش، روش انتخاب شرکت کنندگان در پژوهش، جمع آوری اطلاعات، روایی و پایایی آن و روش تجزیه و تحلیل داده ها مورد بررسی قرار می گیرد. با عنایت به این که موضوع پژوهش تجارب زیسته معلمان مشغول به تدریس در کلاس های چند پایه در خصوص برنامه درسی به منظور شناسایی و تبیین راهبرد های برقراری ارتباط موثر در این کلاس ها است جهت بررسی عمیق تر تجارب زیسته معلمان از روش تحقیق کیفی استفاده شد.

در یک پژوهش کیفی پدیده شناختی به توصیف، تبیین و تفسیر تجارب زیسته معلمان کلاس های چند پایه اقدام می گردد. تحقیق کیفی فرایندی است که پژوهشگر می کوشد تا بدان وسیله پیچیدگی های روابط متقابل بین افراد را بهتر درک کند. پژوهشگر با استفاده از روش های نظام دار در باره کنش ها و واکنش ها اطلاعاتی را جمع آوری می کند، در باره معنی و مفهوم آنها می اندیشد و به نتیجه گیری هایی می رسد، آن ها را ارزیابی می کند و سر انجام این نتایج و دست آورد ها را ارائه می دهد (راس من و همکاران ۱۳۸۳ ص ۲۳). استرابرت و کارپنتر^۱ (۱۹۹۹) معتقدند محققانی که تحقیق کیفی انجام می دهند شش ویژگی عمده و مشترک برای انواع تحقیق کیفی قائل هستند: ۱- اعتقاد به واقعیات متعدد ۲- تعهد به پیروی از شیوه ای که به فهمیدن پدیده مورد نظر بیانجامد ۳- اهمیت دادن به دیدگاه های شرکت کنندگان در تحقیق ۴- هدایت تحقیق به گونه ای که شرایط طبیعی پدیده مورد نظر را حتی الامکان مختل ننماید ۵- اهمیت دادن به شرکت محقق در تحقیق ۶- انتقال آن چه محقق از پدیده درک کرده به صورت گزارش ادبی و غنی از بیانات شرکت کنندگان در تحقیق (حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۸).

یکی از متدهای روش تحقیق کیفی، پدیدار شناسی است. این پژوهش مطالعه ای کیفی از نوع پدیده شناسی خواهد بود که تجارب زیسته معلمان کلاس های چندپایه را بررسی خواهد نمود. پژوهش پدیدار شناسی نوعی از پژوهش تفسیری است که کانون اصلی توجه و تمرکز آن برداشت و تجربه انسانی است. در این پژوهش برداشت های انسانی افراد مختلف (معلمان کلاس های چند پایه) در خصوص شناسایی و تبیین راهبرد های برقراری ارتباط موثر در کلاس های چند پایه مورد توجه قرار می گیرد و نتایج و توصیف حاصل از این برداشت ها، همانگونه که در تجربه افراد به طور مستقیم ظاهر می شود، بررسی می گردد. تجارب زیسته معلمان کلاس های چندپایه در کشور ما هنوز به درستی تبیین نشده است. متون و تحقیقات زیادی هم در این زمینه وجود ندارد. این تجربه یک پدیده کاملاً ذهنی است. بنابراین پدیده شناسی تفسیری برای شناخت ساختار و جوهره آن مناسب تر به نظر می رسد. از این رو محقق رویکرد فوق را برای بررسی تجارب زیسته معلمان کلاس

¹- Streubert & Carpenter

تجارب زیسته معلمان کلاس های چندپایه پیرامون استفاده بهینه زمان و مدیریت آن به عنوان ... ۵۹ □

های چندپایه انتخاب کرده است. در این مطالعه از پدیده شناسی هرمنیوتیک (تفسیری) با تاکید بر دیدگاه کلایزی به منظور جمع آوری داده ها استفاده خواهد گردید.

انتخاب محیط پژوهش در تحقیقات کیفی همچون انتخاب نمونه ها به صورت هدفمند، با نظر محقق و با توجه به همه شرایط دسترسی به اطلاعات خالص مفید در یک محیط طبیعی صورت می گیرد (Holloway & Wheeler, 2010). به این ترتیب پژوهشگر کلیه مدارس ابتدایی روستایی استانهای یزد و کرمان را که دارای کلاس های چندپایه می باشند را به عنوان محیط پژوهش انتخاب نمود. استرابت و کارپنتر (۱۹۹۹) و برن و گرو (۱۹۹۹) معتقدند در تحقیقات کیفی افرادی که در تحقیق شرکت می کنند را فرد یا نمونه نمی گویند، بلکه شرکت کننده یا صاحب اطلاع اطلاق می کنند، زیرا بر روی این افراد مداخله ای صورت نمی گیرد، بلکه آنها فعالانه در مطالعه شرکت دارند و افراد بخاطر اطلاعات دست اولی که درباره یک فرهنگ، تعامل اجتماعی یا پدیده خاص دارند به عنوان شرکت کننده انتخاب می شوند (حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۳).

در این مطالعه، جامعه پژوهش کلیه معلمان کلاس های چند پایه دوره ابتدایی بودند که تمایل به شرکت در مطالعه را داشتند. نمونه گیری به صورت هدفمند بود. پاتون^۱ اصطلاح نمونه گیری هدفمند یا از روی قصد را برای توصیف نوعی از نمونه گیری بکار می برد که در آن مواردی از لحاظ هدف های تحقیق کیفی اطلاعات غنی در بر دارند انتخاب می شوند (گال و همکاران، ۲۰۰۳، به نقل از نصر و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۳۸۹). شرکت کنندگان در این پژوهش شامل کلیه معلمان مشغول به تدریس در کلاس های چند پایه به صورت متنوع از معلمان مرد و زن شاغل در مدارس مختلف و شهرستان های مختلف بودند که با توجه به دیدگاه و نظری که مبتنی بر تجارب زیسته شان در خصوص شناسایی و تبیین راهبرد های برقراری ارتباط موثر در کلاس های چند پایه داشتند مورد مصاحبه قرار گرفتند. مصاحبه شوندهگان از مدارس ابتدایی شهرستان های مختلف استان یزد و کرمان بودند. حجم نمونه در طی مراحل پژوهش توسعه می یابد و نمی توان آن را از قبل طراحی کرد، زیرا اساس گروه نمونه، مفاهیم و مسائل نظری است که طی دوره پژوهش به وجود می آید. وقتی از داده ها اشباع شویم، یعنی وقتی هیچ اندیشه جدیدی به وجود نیاید، نمونه برداری متوقف می شود. در واقع اندازه واقعی نمونه به وسیله کیفیت و تکمیل اطلاعات جمع آوری شده تعیین می شود و زمانی که اطلاعات تکراری به دست آید، این نشانه اشباع شدن اطلاعات است و نمونه گیری متوقف می شود (هومن، ۱۳۸۵، ص ۹۱). تعداد نمونه بعد از رسیدن به اشباع اطلاعاتی مشخص شد. اولین مصاحبه با توجه به مبتدی بودن پژوهشگر در زمینه تحقیقات کیفی کنار گذاشته شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار

نگرفت. پس از انجام هشت مصاحبه اشباع اطلاعاتی حاصل شد که جهت اطمینان پس از مشورت با اساتید محترم تیم پژوهشی تعداد مصاحبه ها تا ده مورد افزایش پیدا کرد. شرکت کنندگان در این پژوهش ده نفر از معلمان کلاس های چند پایه بودند که دارای مدرک کارشناسی و همچنین سابق تدریس بیشتر از سه سال داشتند. جهت جمع آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه ساختار یافته، عمیق و متعامل استفاده گردید. در بررسی های اجتماعی، مصاحبه فردی متداول ترین روش جمع آوری اطلاعات است. مصاحبه فردی در اغلب موارد علی رغم به وجود آوردن برخی منابع گوناگون اشتباه و انحراف، بدون تردید مناسب ترین طریقه ی ممکن در جمع آوری اطلاعات است (کالتون، ۱۳۶۷، به نقل از حجتی، ۱۳۹۵: ص ۲۳۹).

مصاحبه ها انواع مختلفی دارند و عبارتند از: مصاحبه ساختار یافته، مصاحبه ساختار نیافته و مصاحبه نیمه ساختار یافته. در این پژوهش از نوع مصاحبه نیمه ساختار یافته پدیدار شناسی استفاده شده است. به طور کلی می توان گفت در مصاحبه نیمه ساختار یافته که مصاحبه عمیق هم نامیده می شود، هدف این است که گفتگوها به صورت باز انجام شود و به مصاحبه شوندگان اجازه داده شود که عقاید و افکار خود را با کلمات مخصوص خود بیان کنند. در مصاحبه نیمه ساختار یافته اجازه می دهند که تغییرات آزاد بیشتری، بین مصاحبه کننده و مصاحبه شونده صورت گیرد (استربرگ، ۱۳۸۴، به نقل از حجتی، ۱۳۹۵: ص ۱۱۰).

برای جمع آوری اطلاعات در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختار یافته پدیدار شناسی با معلمان کلاس های چند پایه از نوع یک به یک یعنی یک پژوهشگر و یک مصاحبه شونده که در آن سوالات محوری و اصلی پژوهش مطرح گردید استفاده شد. ممکن بود نیاز به انجام چند جلسه مصاحبه با هر یک از شرکت کنندگان باشد. در پنج مورد تعداد بیشتری مصاحبه با یک شرکت کننده انجام شد و ابهامات پیش آمده حین تجزیه و تحلیل داده ها برطرف گردید. بنابر این در نهایت ۱۵ مصاحبه با ده نفر مشارکت کننده انجام شد. از شرکت کنندگان خواسته شد تا زمان و مکان مصاحبه را به دلخواه خود تعیین کنند. اولین فرایند مصاحبه از تاریخ ۹۷/۱۰/۳ با مراجعه به اداره کل آموزش و پرورش استان یزد و به تبع آن به ادارات آموزش و پرورش سایر شهرستان ها و پس از اخذ مجوز و هماهنگی های لازم صورت گرفت. سپس آموزشگاه های دارای کلاس های چند پایه که از شرایط مناسب و مطلوب مرتبط با موضوع پژوهش برخوردار بودند انتخاب شدند. لازم به ذکر است که در ابتدای مصاحبه ضمن جلب توجه و علاقه مندی معلمان به موضوع پژوهش، توضیحاتی راجع به اهداف پژوهش داده شد تا مصاحبه شوندگان با موضوع مورد مطالعه به اندازه کافی آشنا شوند. مصاحبه ها تا دستیابی به داده های عمیق و کافی ادامه یافت. با اجازه مشارکت کنندگان مصاحبه ها روی

تجارب زیسته معلمان کلاس های چندپایه پیرامون استفاده بهینه زمان و مدیریت آن به عنوان ... ۶۱ □

Recorder موبایل ضبط شده و بلافاصله بعد از اتمام مصاحبه، پس از گوش دادن چندین باره، در اسرع وقت متن مصاحبه ها کلمه به کلمه روی کاغذ نوشته شد تا بازخورد لازم برای مصاحبه های بعدی و یا کفایت داده ها را فراهم نماید. سپس برای تایید در اختیار شرکت کنندگان قرار داد که این فرایند تا تاریخ ۹۸/۵/۹ به طول انجامید. پس از تایید مصاحبه شوندهگان مطالب اضافی حذف و مطالب اصلی و مرتبط با موضوع تحقیق تفکیک و کد گذاری شد و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، روش کد گذاری موضوعی و استفاده از روش هفت مرحله ای کلایزی بود و جهت توصیف جامع تجارب زیسته معلمان کلاس های چند پایه در خصوص شناسایی و تبیین راهبرد های برقراری ارتباط موثر در کلاس های چند پایه روش هفت مرحله کلایزی به عنوان روش مناسب جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات تشخیص داده شد.

یافته ها

به جهت شناسایی و تبیین راهبرد ها و مؤلفه های مؤثر به منظور استفاده بهینه زمان و مدیریت آن در کلاس های چند پایه، داده های حاصل از مصاحبه معلمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مقولات اصلی و فرعی استخراج گردید که پس از طبقه بندی، ۱۳ زیر طبقه، ۵ طبقه و سه مفهوم به دست آمد.

مفهوم اول: تبیین و شناسایی مؤلفه های مؤثر درصرفه جویی وقت بر اساس اظهارات مصاحبه شوندهگان در پاسخ به پرسش اول پژوهش، مبنی بر تبیین و شناسایی مؤلفه های مؤثر درصرفه جویی وقت در سه طبقه به شرح ذیل، استخراج گردید. مطالب درک شده از صحبت های معلمان حاکی از اهمیت آموزش و استفاده بهینه زمان در طول فرایند یاددهی یادگیری در کلاس می باشد. اجرای ثمر بخش برنامه درسی منوط به آموزش و استفاده بهینه زمان توسط معلمان و دانش آموزان است.

طبقه اول:

(۲۰۳) آموزش به دانش آموزان برای مدیریت و رعایت زمان برنامه ریزی شده جهت صرفه جویی در وقت "برای مثال معلمی اظهار می دارد: به دانش آموزان یاد می دهم که اگر پایه ای تحت تدریس قرار خواهد گرفت باید در این مدت (برای مثال ۱۵ دقیقه ای که تحت تدریس قرار می گیرد) خودشان را آماده و کمال استفاده را از زمان اختصاص یافته ببرند و به سایر پایه ها هم آموزش می دهم تا مزاحم این پایه نشوند و آن ها هم از زمان اختصاص یافته استفاده ببرند. برای مثال همین امروز مبصر پایه چهارم به تمام پایه های درون کلاس اعلام کرد وقت اول تدریس برای ما است و جلو کلاس

۶۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال یازدهم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۹

نشسته بودند و من براحتی تدریس را شروع کردم. تا خود دانش آموزان بیاموزند که به زمان کلاس احترام بگذارند و معلم را برای صرفه جویی در وقت همراهی کنند.

طبقه دوم:

(۳۵۲) مدیریت زمان برای صرفه جویی در وقت با ترکیب کردن دروس.

برای مثال معلمی اظهار می دارد: یکی از مهمترین فاکتورها در کلاس های چند پایه ترکیب کردن دروس است. مثلاً اگر یک کلاسی ریاضی داشته باشند بهتر است که کلاس دیگر نقاشی داشته باشد که معلم وقت بیشتری برای تدریس ریاضی داشته باشد. در واقع نوعی مدیریت زمان در کلاس از طریق جابه جایی دروس به منظور رسیدن بهتر به اهداف آموزشی می باشد.

طبقه سوم:

(۴۳) مدیریت زمان از سوی معلم برای استفاده از محتوای تک پایه در کلاس چند پایه.

برای مثال معلمی اظهار می دارد: محتوایی که باید تدریس شود، برای مثال محتوایی که ما داریم برای کلاس های تک پایه است، در کلاسهای چند پایه هم هست. برای کلاس تک پایه در هفته ۲۵ ساعت در نظر گرفته شده است حالا در نظر بگیرید که اگر کلاس ما سه پایه باشد چطور این ۲۵ ساعت را برای سه پایه مدیریت کنیم در بحث محتوا اگر ما بخواهیم همان محتوای تک پایه را تدریس بکنیم زمان را هم باید در نظر بگیریم. چون محتوای تک پایه در کلاس چند پایه نیاز به زمان بیشتری دارد و باید مدیریت شود پس با زمان ارتباط زیادی دارد پس مدیریت زمان برای استفاده از محتوای تک پایه در کلاس چند پایه خیلی مهم است.

مفهوم دوم: تبیین و شناسایی مؤلفه های مؤثر کمبود زمان

با توجه به حضور پایه های مختلف در یک کلاس، می توان اشاره کرد که یکی از مشکلات کلاس های چند پایه کمبود وقت است معلم برای کاهش این مشکل می تواند از دانش آموزان پایه های بالاتر در فعالیت های درسی و غیر درسی کمک بگیرد لذا تبیین و شناسایی مؤلفه هایی که منجر به کمبود زمان است در فعالیت های یاد دهی یادگیری بسیار قابل تأمل و مهم تلقی می شوند. بر اساس اظهارات مصاحبه شوندگان در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، مبنی بر تبیین و شناسایی مؤلفه های مؤثر کمبود زمان در پنج طبقه به شرح ذیل، استخراج گردید.

طبقه اول:

(۱) کمبود وقت به خاطر تعداد پایه ها در یک کلاس.

برای مثال معلمی اظهار می دارد: کلاسهای چند پایه معایبی دارد و محاسنی نیز دارا است. در رابطه با معایب بچه ها وقت کم میارن. ببینید وقتی را که در طول هفته برا ما در نظر گرفته شده برای یک پایه است الان من با چند پایه سرو کار دارم و تو همین زمان باید به همه پایه ها برسیم پس وقت کم میارم و خیلی باید روی زمان برنامه ریزی کنم که حد اکثر استفاده را ببرم. بیشتر منظورم در برنامه ریزی اختصاص زمان برای هر پایه در یک زنگ اشاره دارد.

تجارب زیسته معلمان کلاس های چندپایه پیرامون استفاده بهینه زمان و مدیریت آن به عنوان ... ۶۳ □

طبقه دوم:

(۲۱۲) کمبود وقت به خاطر مدیر آموزگار بودن معلم.

برای مثال معلمی اظهار می دارد: امسال هم به عنوان مدیر آموزگار در همین روستا مشغول هستم و پایه های پنجم و ششم رو تدریس می کنم. کارهای دیگری هم غیر از کارهای یک معلم هم دارم که وقتم را می گیرد منظورم کارهای دفتری و اداری مدرسه دست تنها هستم وهمه کارها بر عهده خودم هست بله کارهای اداری مدرسه و دفتری وقتم را می گیرد.

طبقه سوم:

(۱۹۱) کمبود زمان تدریس معلم با توجه به کاربرد محتوای تک پایه.

برای مثال معلمی اظهار می دارد: به دلیل کمبود زمان تدریس معلم، باید محتوای کلاسهای چند پایه با محتوای کلاسهای تک پایه متفاوت باشد. یعنی حداقل کاری که می تونن انجام بدهند این است که کتابهای درسی متفاوتی را داشته باشند نسبت به کلاسهایی که تک پایه هستند و اینکه محتوا باید با توجه به کلاسهایی که در کنار هم هستند تدوین شود.

طبقه چهارم:

(۳۱۹) آمار زیاد در کلاس های چند پایه فرصت سر زدن به همه پایه ها را از معلم سلب می کند. برای مثال معلمی اظهار می دارد: کلاس های چند پایه اگر با آمار کم و تعداد پایه ها کمتر باشد، نتیجه آموزشی بیشتری دارد و دانش آموز مانند یک کلاس خصوصی مطالب را فرا می گیرد ولی آمار زیاد و تعداد پایه بیشتر، رسیدن به اهداف کلی آموزش را کند تر می کند. چون فرصت سر زدن به همه پایه ها نمی شود و نمی توان به همه موارد کتاب پرداخت

طبقه پنجم:

(۹۴) وقت گیر بودن آموزش به دانش آموزان دو زبانه .

برای مثال معلمی اظهار می دارد: الان من یکی شاگرد دارم، ضعیف است. این بچه پارسال، کلاس اول بوده، امسال هم رد شده ... خب امسال بهتر است ولی بازم پیشرفتی که شاگرد خودم دارد را ندارد. بهش میگی در خانه املا بنویس ... نه باباش سواد دارد و نه مادرش پاکستانی هم هستند. فارسی صحبت نمی کنند. هر چی التماس می کنیم در خانه فقط فارسی صحبت کنید، کار دیگری نمی خواهد انجام دهید. خیلی وقتم را می گیرد تا به او فارسی یاد بدم ولی متاسفانه، مشکل دو زبانه نیز وجود دارد. اگر خانواده اش کسی بودند که فارسی بلد بود و املا می بچه می گفت، خیلی تاثیر داشت.

مفهوم سوم: تبیین و شناسایی مؤلفه های مؤثر در برنامه ریزی و مدیریت زمان.

بر اساس اظهارات مصاحبه شوندگان در پاسخ به پرسش سوم پژوهش، مبنی بر تبیین و شناسایی مؤلفه های مؤثر در برنامه ریزی و مدیریت زمان در پنج طبقه به شرح ذیل، استخراج گردید.

طبقه اول:

(۱۷۵) مدیریت زمان برای تمام کارهای مدرسه اعم از درسی و غیردرسی.

برای مثال معلمی اظهار می‌دارد: اولیش وقت هست که در کلاس‌های چندپایه بسیار مهم است. باید مدیریت بشود. در فعالیت‌های درسی وقتی که ما در اختیار داریم برای کلاس تک پایه است و برای هر پایه باید زمان خاصی در نظر بگیریم تا به تمام کارهای مدرسه برسیم چه درسی و چه غیردرسی. کارهای زیادی در مدرسه وجود دارد که خیلی هم نیاز به زمان دارد و غیردرسی است مثلاً باید بگویم مدتی پیش لوله کشی آب مدرسه دچار مشکل شده بود تا آن را برطرف کردم وقت زیادی را از من و دانش آموزانم گرفت هم برای فعالیت‌های درسی و هم برای فعالیت‌های غیردرسی معلم باید برنامه ریزی کند.

طبقه دوم:

(۲۲۵) اختصاص زمان به پایه‌ها، نسبت به داشتن تدریس یا فعالیت.

برای مثال معلمی اظهار می‌دارد: از لحاظ برنامه ریزی برای زمان خیلی باید توجه به هدف آن درس داشت، جووری کلاس رو برنامه ریزی کرد که در طول ساعت به تمام پایه‌ها برسیم. برنامه کلاسی باید به گونه‌ای باشد که یک کلاس درس ساده و یک کلاس درس سخت داشته باشند. اما مهمتر این است که با توجه به آن پایه که در این جلسه تدریس نیاز دارد یا باید تکلیف انجام دهد زمان مناسب برای تدریس یا تکلیف در نظر گرفته شود درست است که معلم نظارت دارد ولی وقتی به یک پایه تدریس می‌کنم سایر پایه‌ها باید فعالیت انجام دهند و اختصاص زمان برای هر پایه بسیار مهم است.

طبقه سوم:

(۳) اختصاص و تقسیم بندی سه زمان پانزده دقیقه‌ای تدریس برای هر پایه در یک جلسه.

برای مثال معلمی اظهار می‌دارد: منظورم در برنامه ریزی اختصاص زمان برای هر پایه در یک زنگ اشاره دارد. ببینید امروز در زنگ اول (جلسه اول) طبق برنامه قبلی سه تا تدریس باید داشته باشم خب یک جلسه پنجاه دقیقه‌ای را به سه قسمت تقسیم می‌کنم و هر پایه را پانزده دقیقه تحت تدریس قرار می‌دهم. خب اگر این کار نکنم واقعا وقت کم میارم.

طبقه چهارم:

(۳۱۲) تقسیم بندی زمان برای هر پایه در هر جلسه با توجه به نوع فعالیت.

برای مثال معلمی اظهار می‌دارد: زمان، در کلاس‌های چند پایه بین پایه‌ها تقسیم می‌شود و بستگی به تعداد پایه‌ها دارد. مثلاً یک ساعت درسی ۵۰ دقیقه در کلاس دوپایه، به هر پایه ۲۵ دقیقه می‌رسد البته من با توجه به نوع فعالیت زمان را در نظر می‌گیرم مثلاً برای درس دادن پایه ششم سی دقیقه اختصاص می‌دهم.

طبقه پنجم:

طرح سوال معلم و پاسخ دانش آموزان در منزل برای جبران کمبود وقت در کلاس. برای مثال معلمی اظهار می‌دارد: بخشی از فعالیت‌هایی را که باید در کلاس انجام شود چون فرصت کافی نیست برای

تجارب زیسته معلمان کلاس های چندپایه پیرامون استفاده بهینه زمان و مدیریت آن به عنوان ... ۶۵ □

نظارت من در کلاس، آن ها را واگذار خانواده ها می کنم بیشتر به صورت طرح سوال که از قبل آماده می کنم تا بچه ها در منزل پاسخ دهند. کارهایی که من برای بچه ها انجام می دهم. برایشون سوال در می آورم که هر شب تمرین کنند... چون بعضی از پدر و مادرها نمی توانند این کار را انجام بدهند ولی می توانند نظارت داشته باشند. برگه ها را بهشون میدم و البته آن برگه ها را برای خودم هم نگه داشتم. مادر و پدر ها نیز خیلی خوششان می آید که همراهی می کنند.

بحث و نتیجه گیری

زمان یکی از عوامل از پیش تعیین شده برای برنامه ریزی فعالیت های یاددهی یادگیری محسوب می شود. در مورد زمان آموزش و تقسیم بندی های آن نظرات متفاوتی وجود دارد. کاتلین کاتن، تقسیم بندی خود را مبتنی بر تحقیقات آندرسون، بلوم و فیشر و همکارانش، در چهار نوع: زمان اختصاص یافته، زمان درگیر شدن در فعالیت، زمان یادگیری آکادمیک و زمان مرده آموزشی بیان نموده است (کاتن، ۱۹۸۹). نکته دیگر اینکه، مقدار زمان درگیر شدن با موضوع درسی که یک مسئله مرتبط با تدریس است را متغیرهای مرتبط با یادگیرنده، شرایط کلاس درس و معلم تعیین می کنند (موسی پور، ۱۳۷۸). یکی از این شرایط وجود کلاس های چند پایه است که با توجه به ویژگی ها، محدودیت ها و مشکلات در چنین کلاس هایی ایجاب می کند که معلم با نگاهی متفاوت نسبت به کلاس های تک پایه، برنامه ریزی نماید. در این برنامه ریزی یکی از مؤلفه های موجود مربوط به عنصر زمان است. چگونگی مدیریت زمان در کلاس های چند پایه به توجه به کمبود وقت به عنوان یکی از چالش های چنین کلاس هایی، بسیار مهم و قابل تأمل است. لذا برای معلمان کلاس های چند پایه، آشنایی با مؤلفه های مختلف به جهت مدیریت و استفاده بهینه از زمان در کلاس های چند پایه، لازم و ضروری است. بنابر این راهبردهایی که معلمان کلاس های چند پایه می توانند برای صرفه جویی، برنامه ریزی و مدیریت زمان، به کار گیرند، منجر به سهولت در فرایند یاددهی یادگیری، تدریس اثر و محقق شدن اهداف برنامه درسی می گردد. نتایج بدست آمده در این پژوهش نشان داد که بر اساس تجارب زیسته معلمان کلاس های چند پایه برای صرفه جویی، برنامه ریزی و مدیریت زمان در کلاس های چند پایه باید به سه مفهوم اصلی توجه نمود:

۱- تبیین و شناسایی مؤلفه های مؤثر در صرفه جویی وقت ۲- تبیین و شناسایی مؤلفه های مؤثر کمبود زمان ۳- تبیین و شناسایی مؤلفه های مؤثر در برنامه ریزی و مدیریت زمان.

به طور کلی و بر اساس نتایج تحقیق می توان ادعا کرد پابندی به اصول استخراج شده در این پژوهش باعث صرفه جویی، برنامه ریزی و مدیریت زمان در کلاس های چند پایه شده و می تواند اثر بخشی فرایند یاددهی یادگیری را در چنین کلاس هایی تضمین نماید. بنابر این بر اساس نتایج این

۶۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال یازدهم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۹

پژوهش پیشنهاد می‌گردد برای رسیدن به اهداف مورد نظر در برنامه درسی کلاس های چند پایه، این راهبرد ها توسط معلمان به کار گرفته شود.

منابع

- اسفندیاری، غلام رضا (۱۳۸۰). بررسی عوامل استرسزا در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان و رابطه آن با سلامتی عمومی آنان، مجله طب و تزکیه، ۴۳.
- بورگ، و، گال، م (۱۳۹۲). روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. ترجمه ک الف و نصر اصفهانی و همکاران. تهران انتشارات سمت. ۱۴۶۰.
- حجتی، ع (۱۳۹۵). تجارب زیسته ی اساتید و دانشجویان رشته های فنی و مهندسی در خصوص ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به منظور ارایه ی الگوی اختصاصی ارزشیابی پیشرفت تحصیل رشته های فنی و مهندسی. پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).
- حاجی باقری م ا، پرویزی س، صلصالی م، (۱۳۸۶). روش های تحقیق کیفی. نشر و تبلیغ بشری تحفه.
- راس من گ (۱۳۸۳). روش تحقیق کیفی. ترجمه ع پارسائیان، م اعرابی، ناشر دفتر پژوهش های فرهنگی. مارشال گ.
- سلیمانی، ن، حدادیان، ا، شهرابی، ک (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه پیشرفت تحصیلی و مهارت های اجتماعی دانش آموزان کلاس های چند پایه و عادی در مدارس ابتدایی. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد واحد گرمسار. شماره ۱۴، ص ۱۴۴-۱۲۹.
- صمدیان، صمد، (۱۳۹۶). برنامه ریزی درسی کلاس های چند پایه. تبریز، انتشارات بوی جوی مولیان
- فتحی واجارگاه، کورش، (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم برنامه ریزی درسی. تهران، نشر دانشگاهی بال.
- قاسمی، ش، (۱۳۹۱). تأثیر محبت در تربیت از دیدگاه مولانا در مثنوی. پایان نامه ارشد دانشگاه آزاد اصفهان خوراسگان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- موسی پور، نعمت ا...، (۱۳۷۸). «روند تحولات عنصر زمان در برنامه های درسی مقطع ابتدایی ایران»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال پانزدهم، شماره ۱.
- موسی پور، نعمت ا...، (۱۳۸۵). زمان آموزش، سند ملی آموزش و پرورش کمیته مطالعات نظری خرده نظام برنامه ریزی درسی و تکنولوژی آموزشی: تهران.
- مردیت گ، بورگ و گال ج، (۱۳۸۷). روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. ترجمه رنصر اصفهانی و همکاران، تهران: نشر سمت.
- مرتضوی زاده، سید حشمت الله، (۱۳۹۰). راهنمای تدریس در کلاس های چند پایه، تهران، انتشارات عابد.
- مرتضوی زاده، سید حشمت الله (۱۳۹۴). مدیریت و برنامه ریزی کلاس های چند پایه، تهران، انتشارات کورش.
- هومن، ح ع، (۱۳۸۵). راهنمای عملی پژوهش کیفی، ناشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

تجارب زیسته معلمان کلاس های چندپایه پیرامون استفاده بهینه زمان و مدیریت آن به عنوان ... ۶۷ □

• هایم، گ. (۱۹۹۰). روابط معلم و دانش آموز، ترجمه سیاوش سرتیپی. تهران: نشر علم.

- Cotton, Kathleen.(1989). “Educational Time Factors”. Available at: <http://www.nwrel.org/scpd/sirs/9/cu2.html>.
- Eisner, E. (2002). The Arts and the Creation of Mind. Yale University Press, New Have
- Streubert H.J, Carpenter D.R (2010) Qualitative Research in Nursing: Advancing the Humanistic Imperative. Philadelphia, Fifth edition. Lippincott Williams & Wilkins